

انسان و گستره حقوق بندگی

شرح رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

محمد باقر تحریری



فهرست اجمالی

۹	متن رساله حقوق
۱۳	مقدمه
۲۳	۱. حقّ الله
۸۹	۲. حقّ نفس
۱۰۷	۳. حقّ زبان
۱۸۳	۴. حقّ گوش
۲۰۳	۵. حقّ چشم
۲۲۹	۶. حقّ پا
۲۷۷	۷. حقّ دست
۲۹۳	۸. حقّ شکم
۳۰۵	۹. حقّ شرمگاه
۳۱۳	۱۰. حقّ نماز
۳۵۱	۱۱. حقّ حج
۳۶۱	۱۲. حقّ روزه
۳۸۳	۱۳. حقّ صدقه
۳۹۵	۱۴. حقّ قربانی

۳۹۷	۱۵. حق حاکم
۴۱۱	۱۶. حق معلم
۴۲۱	۱۷. حق مولا و مالک
۴۲۳	۱۸. حق مردم
۴۳۹	۱۹. حق شاگرد
۴۵۷	۲۰. حق همسر
۴۷۷	۲۱. حق برده
۴۸۱	۲۲. حق مادر
۴۸۹	۲۳. حق پدر
۴۹۳	۲۴. حق فرزند
۵۰۹	۲۵. حق برادر
۵۲۹	۲۶. حق مولا
۵۳۳	۲۷. حق برده آزادشده
۵۳۷	۲۸. حق نیکی کننده
۵۴۹	۲۹. حق اذان گو
۵۵۷	۳۰. حق امام جماعت
۵۶۳	۳۱. حق هم نشین
۵۸۳	۳۲. حق همسایه
۵۹۹	۳۳. حق دوست
۶۱۵	۳۴. حق شریک
۶۱۹	۳۵. حق مال
۶۳۹	۳۶. حق طلب کار
۶۴۵	۳۷. حق همکار
۶۴۹	۳۸. حق مدعی
۶۶۷	۳۹. حق خصم
۶۷۳	۴۰. حق مشورت کننده
۶۸۱	۴۱. حق مشاور
۶۸۹	۴۲. حق نصیحت خواه

■ فهرست اجمالی

۶۹۷	حقّ نصیحت کننده
۷۰۱	حقّ کهن سالان
۷۰۵	حقّ خردسالان
۷۱۳	حقّ سائل
۷۲۷	حقّ مسئول
۷۳۱	حقّ شادکننده
۷۴۱	حقّ بدی کننده
۷۴۷	حقّ اهل دین
۷۵۷	حقّ اهل ذمه
۷۶۵	کتاب نامه
۷۷۳	فهرست تفصیلی

متن رساله حقوق

اَعْلَمُ رَحِمَكَ اللهُ أَنَّ لِلَّهِ عَلَيْكَ حُقُوقًا مُحِيطَةٌ بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرُكُنتَهَا أَوْ سَكَنَةٍ سَكَنَتْهَا أَوْ مَنْزِلَةٍ نَزَلَتْهَا أَوْ جَارِحَةٍ قَلَبَتْهَا أَوْ آلَةٍ تَصَرَّفَتْ بِهَا بَعْضُهَا أَكْبَرُ مِنْ بَعْضٍ وَ أَكْبَرُ حُقُوقِ اللهِ عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَهُ لِنَفْسِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَصْلُ الْحُقُوقِ وَ مِنْهُ تَفَرَّعَ ثُمَّ مَا أَوْجَبَهُ عَلَيْكَ لِنَفْسِكَ مِنْ قُرْنِكَ إِلَى قَدَمِكَ عَلَى الْخِلَافِ جَوَارِحِكَ فَجَعَلَ لِبَصْرِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِسَمْعِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِللِّسَانِ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِيَدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِرِجْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِبَطْنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِقُرْجِكَ عَلَيْكَ حَقًّا فَهَذِهِ الْجَوَارِحُ السَّبْعُ الَّتِي بِهَا تَكُونُ الْأَفْعَالُ ثُمَّ جَعَلَ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَفْعَالِكَ حُقُوقًا فَجَعَلَ لِصَلَاتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِصُومِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِصَدَقَاتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِهَدْيِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حَقًّا ثُمَّ تَخْرُجُ الْحُقُوقُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ مِنْ دَوَى الْحُقُوقِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْكَ وَ أَوْجَبَهَا عَلَيْكَ حَقًّا أَثِمَّتُكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَحِمِكَ فَهَذِهِ حُقُوقٌ يَتَشَعَّبُ مِنْهَا حُقُوقٌ فَحُقُوقُ أَثِمَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجَبَهَا عَلَيْكَ حَقٌّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ ثُمَّ حَقٌّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ ثُمَّ حَقٌّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ وَ كُلُّ سَائِسٍ إِمَامٌ وَ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجَبَهَا عَلَيْكَ حَقٌّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ^١ ثُمَّ حَقٌّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ رَعِيَّةُ الْعَالِمِ وَ حَقٌّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ مِنَ الْأَرْوَاحِ وَ مَا مَلَكَتْ مِنَ الْإِيمَانِ وَ حُقُوقُ رَحِمِكَ كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ

١. در خصال «حق» آمده است.

الرَّحِمِ فِي الْقَرَابَةِ فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ أُمِّكَ.

ثُمَّ حَقُّ أَبِيكَ ثُمَّ حَقُّ وَلَدِكَ ثُمَّ حَقُّ أَخِيكَ ثُمَّ الْأَقْرَبُ فَلِلْأَقْرَبِ وَالْأَوَّلُ فَلِلْأَوَّلِ ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُتَعَمِّعِ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْحَارِيِّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ ذِي الْعُرُوفِ لَدَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مُؤَدِّكَ بِالصَّلَاةِ ثُمَّ حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ ثُمَّ حَقُّ جَلِيبِكَ ثُمَّ حَقُّ جَارِكَ ثُمَّ حَقُّ صَاحِبِكَ ثُمَّ حَقُّ شَرِيكَكَ ثُمَّ حَقُّ مَالِكَ ثُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي يُطَالِبُهُ ثُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي يُطَالِبُكَ ثُمَّ حَقُّ خَلِيطِكَ ثُمَّ حَقُّ خَضَمِكَ الْمُدَّعِي عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ خَضَمِكَ الَّذِي تَدَّعِي عَلَيْهِ ثُمَّ حَقُّ مُسْتَشِيرِكَ ثُمَّ حَقُّ الْمُشِيرِ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مُسْتَنْصِحِكَ ثُمَّ حَقُّ النَّاصِحِ لَكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَصْغَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقُّ سَائِلِكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ سَأَلْتَهُ ثُمَّ حَقُّ مَنْ جَرَى لَكَ عَلَى يَدَيْهِ مَسَاءَةٌ يَقُولُ أَوْ فَعِلَ أَوْ مَسَرَّةٌ بِذَلِكَ يَقُولُ أَوْ فَعِلَ عَنْ تَعَمُّدٍ مِنْهُ أَوْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَامَّةً ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ الذَّمِّ [ذِمَّتِكَ] ثُمَّ الْحُقُوقُ الْخَادِثَةُ بِقَدْرِ عِلَلِ الْأَحْوَالِ وَتَصَرُّفِ الْأَسْبَابِ قَطُوبِي لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى قَضَاءِ مَا أَوْجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِهِ وَوَقْفِهِ وَ سَدَّدَهُ؛

بدان، خدا تو را رحمت کند! به درستی که خداوند بر تو حقوقی دارد که سرپای وجودت را فرا گرفته است: در هر حرکت یا سکون که قرار داری یا در هر جایی که فرود آیی یا هر عضوی که تکان دهی و ابزاری که به کارگیری [خداوند را در تمام آن‌ها حقی است]. برخی از این حقوق، بزرگ‌تر از برخی دیگر است. بزرگ‌ترین حقوق خدا بر تو حقی است که خداوند - تبارک و تعالی - به عنوان حق خود، رعایت آن را بر تو واجب کرده است و آن ریشه همه حق‌هاست و دیگر حقوق، جملگی از آن منشعب می‌شود. سپس آنچه واجب کرد بر تو حق خودت است که از سر تا قدمت را شامل می‌شود. برای چشم و گوش و زبان و دست و پا و شکم و دامت حقی را بر تو واجب ساخته است. این اعضای هفت‌گانه است که به کمک آن‌ها کارها

۱. در خصال و فقیه به جای «عامة» کلمه «عليك» و به جای «الدقة» کلمه «دقيق» آمده است.

صورت می پذیرد.

سپس خداوند عزیز و جلیل برای کارها و افعال تو نیز حقوقی برای نماز، روزه، صدقه، قربانی و دیگر کارهایت بر تو حقی واجب کرده است.

سپس حقوق دیگر افرادی است که بر تو حقوق واجبی دارند و از همه واجب تر حقوق رهبرانت، سپس زیردستانت، و پس از آن حقوق خویشاوندانت می باشد. این ها حقوقی است که حقوق دیگر از آن منشعب می شود.

پس حقوق رهبران سه قسم است که واجب ترین آن ها بر تو رعایت حق کسی است که پیشوای تو در حکومت است. سپس حق کسی که پیشوای تو در علم است و پس از آن حق کسی که پیشوای تو در ملک است و البته هر رهبر و پیشوایی امام به شمار می رود.

و حقوق زیردستانت نیز سه گونه است که از همه واجب تر رعایت حقوق کسی است که در قدرت، زیردست توست سپس حق کسی که در علم زیر دست توست، زیرا نادان، زیردست دانا است. پس از آن افراد تحت اختیار، چون همسران و خدمت کاران تو. حقوق خویشاوندانت بسیار است و به دور و نزدیک بودن نسبت خانوادگی بستگی دارد و واجب ترین آن ها بر تو حق مادر، سپس حق پدر، بعد حق فرزند و پس از آن حق برادر توست و دیگر خویشان هر یک که نزدیک تر است، مقدم تر است و رعایت حقش اولویت دارد.

سپس حق مولا و ولی نعمت توست که به تو احسان کرده و بعد حق آن کس که نعمت را بر او جاری کرده ای.

سپس حق کسی است که به تو احسان نموده و بعد به ترتیب حق اذان گوی نماز، پیش نماز، هم نشین، همسایه، رفیق، شریک مال، بدهکار، طلبکار،

دوست، طرف معاملات و طرفی که بر تو ادعا دارد، آن کس که تو بر او ادعا داری، کسی که با تو مشورت می‌کند، آن کس که تو با او مشورت می‌کنی، آن کس که از تو طلب خیرخواهی می‌کند، خیرخواه تو، فرد بزرگ‌تر، فرد کوچک‌تر، سائل و درخواست‌کننده، کسی که از او درخواستی داری، آن کس که با سخن یا عمل خود عمداً یا سهواً به تو بدی یا خوبی کرده است، همه هم‌کیشان، کفّاری که در پناه دین تو هستند و حقوقی که به مقتضای احوال در زندگی پدید می‌آید.

پس خوشا به حال کسی که خداوند او را یاری کند بر ادای حقوقی که بر او واجب کرده و موفقش داشته و به راه راست ارشادش فرموده است!

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَأَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ
سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا حَبِيبِ قُلُوبِنَا وَطَبِيبِ نَفُوسِنَا سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي
الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُنتَخَبِينَ
الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَظَهَّرَهُمْ تَظْهِيراً وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ
أَجْمَعِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

کتاب حاضر شرح رساله حقوقی امام سجاد علیه السلام با توجه به زیرساخت
مباحث اخلاقی است. اندیشوران علم اخلاق مباحث اخلاقی را اغلب به سه
شکل مطرح کرده اند: گروهی، ابتدا نفس و قوای وجودی آن را به صورت
اجمال معرفی نموده، به بیان اوصاف حمیده و رذیله هر یک از این قوا
می پردازند و در ادامه، راه کسب فضایل و از بین بردن رذایل را با استناد به
دیدگاه های عقلی بیان می کنند. به این روش «اخلاق فیلسوفانه» گفته می شود.^۱
گروهی دیگر، با بیان آیات و روایات مربوط به صفات حمیده و رذیله و
تحلیل اجمالی و سطحی آن ها و جمع بین دلایل هر بحث، بدون توجه به
مبانی عمیق معرفتی کتاب و سنت، به بحث درباره اوصاف نفسانی می پردازند

۱. مانند کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاخلاق نوشته ابن مسکویه رازی و اخلاق ناصری تألیف
خواججه نصیر الدین طوسی.

که به این روش «اخلاق حدیثی» گفته می‌شود.^۱
 عده‌ای نیز با تلفیق این دو روش (روش عقلی و نقلی)، موضوعات اخلاقی را بیان کرده، و به مسئله شناخت نفس انسان و صفات حمیده و رذیله آن پرداخته‌اند.^۲

در میان اندیشمندان دینی، علامه طباطبائی رحمته الله علیه با ژرف‌نگری به قرآن، سنت و روایات اهل بیت علیهم السلام روش دیگری را ابداع و با نگاهی خاص و البته دقیق‌تر به انسان، مسائل نفسانی و روحی او را بررسی کرد.

در این روش، به صورت زیرینایی و با نظامی هدف‌دار، کلی و فراگیر راهکارهای اصلاح اوصاف نفسانی بیان می‌شود و انسان به دیدگاه معرفتی والایی درباره ویژگی‌های نفس، رابطه وجودی با حق تعالی و هدف از آفرینش می‌رسد و در پرتو همین معرفت و شناخت، می‌تواند نفس خود را اصلاح کند؛^۳

به تعبیر دیگر، در این روش اصل بر حصول معرفت اجمالی به حقیقت نفس انسانی و رابطه وجودی آن با حق تعالی و اوصاف جمال و جلال اوست که اصلاح و تهذیب نفس را در پی خواهد داشت.

به‌طور کلی مرحوم علامه رحمته الله علیه مکتب‌ها و روش‌های اخلاقی را بر اساس اهداف آن‌ها، به سه دسته تقسیم کرده که عبارتند از:

۱. مانند کتاب گران‌قدر بحار الانوار تألیف مرحوم علامه مجلسی، اما کتاب خصال نوشته مرحوم شیخ صدوق و تحف العقول تألیف مرحوم ابن شعبه حرانی و قسمتی از اصول کافی و وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل تنها به ذکر روایات اخلاقی اکتفا کرده‌اند.

۲. مانند کتاب محجة البیضاء مرحوم فیض کاشانی، جامع السعادات مرحوم ملا مهدی نراقی و معراج السعاده ملا احمد نراقی رحمته الله علیه.

۳. شاید بتوان این مسلک را «اخلاق عرفانی» نامید که به کتاب منازل السائرین نیز اطلاق می‌شود. امام خمینی رحمته الله علیه از این روش استفاده کرده و در علم اخلاق، با تحلیل‌های عرفانی مباحث آن را مطرح می‌کند.

۱. روش مکتب‌های مادی: تنها هدف این مکتب‌ها از تحصیل فضایل و یا دوری از رذایل اخلاقی، تأمین نیازهای مادی و اصلاح زندگی اجتماعی انسان است.

۲. روش عمومی ادیان و پیامبران الهی: هدف پیامبران در این روش، ترغیب و تشویق مردم به اصلاح اوصاف نفسانی و کسب فضایل اخلاقی برای رسیدن به سعادت و نعمت‌های آخرتی است.

۳. روش خاص تربیتی قرآن و سنت: در این روش، انسان با توجه به رابطه وجودی خود با حق تعالی و اوصاف کمالی او، برای رسیدن به قرب ذات اقدس الهی و اتّصاف به اوصاف جمال و جلال، به اصلاح نفس و کسب فضایل اخلاقی همت می‌گمارد.

وی روش سوم را برای بیان دیدگاه اسلام انتخاب می‌کند، پس با چنین نگرشی، به‌جا آوردن وظایف دینی برای انسان آسان و نفس به صورت زیربنایی اصلاح می‌شود.^۱

منشأ علوم انسانی

اعتقاد علامه طباطبائی رحمته‌الله در تفسیر شریف *المیزان* این است که با استناد به آیات قرآن کریم و توجه به توحید و شئون توحیدی و حق خداوند بر انسان و دیگر موجودات، همه علوم انسانی جزء علوم الهی محسوب می‌شوند.^۲ ما نیز منشأ همه علوم انسانی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی،

۱. تفسیر *المیزان*، ج ۱، ص ۳۷۶؛ آن بزرگوار دیدگاه دیگری را نیز بیان و مجموع مطالب را به صورت طرح کلی مطرح می‌کند. در میان علمای معاصر، آیه‌الله مصباح‌یزدی رحمته‌الله مباحث اخلاقی را با نظام ویژه‌ای در کتاب *اخلاق در قرآن* مطرح کرده که تا حدودی با روش سوم منطبق است.

۲. این مطالب، از بیانات ایشان در تفسیر *المیزان* اقتباس شده است.

اقتصاد، اخلاق و... را وحی می‌دانیم و معتقدیم در صورتی که این علوم به طور صحیح از مبدأ هستی‌بخش و وحی الهی و معارف ائمه علیهم‌السلام گرفته شوند، کمتر دچار خطا و اشتباه می‌گردند.^۱

متأسفانه علوم انسانی رایج به دلیل بررسی حالات و روابط انسانی، جدا از جنبه ارتباط او با مبدأ وحی و نادیده گرفتن وظایف وی در برابر حق تعالی و به صرف اعتماد بر تجربه بشری، مرتکب اشتباه‌های فراوانی شده است.

نگاهی اجمالی به رساله حقوقی امام سجاد علیه‌السلام

از جمله برکات وجود امام سجاد علیه‌السلام مجموعه‌ای از معارف ناب اسلامی و انسانی است که به نام «رساله حقوقی» معروف شده است.

حضرت در این رساله پیش از بیان حقوق پنجاه‌گانه‌ای که بر عهده انسان است، نخست حق‌الله را بیان می‌فرماید تا معلوم گردد حقوق دیگر، یا این حق در ارتباط بوده و این حق سرچشمه دیگر حقوق است. هر انسانی با تأمل در وجود خویش می‌تواند این حق (حق‌الله) را به‌طور کلی درک کند و بداند که حقوق دیگر همیشه همراه اوست و از سوی خداوند متعال و اولیای بزرگوارش بیان شده است.

هم‌چنین این امر، مطابقت معارف دین با فطرت بشر را می‌رساند و اگر کسی بخواهد در مسیر شکوفایی فطرتش قرار گیرد، باید از دین الهی که به تمام حقوق احاطه دارد، به طور کامل پیروی کند و حقوق دیگر نیز باید با

۱. زیرا این معارف از جانب خالق و رب انسان و دیگر موجودات است و او هستی و کمال مطلق است که می‌داند چه چیزی آفریده و او را برای چه هدف والایی خلق کرده است. به گونه‌ای که راه دقیق و صحیح و کامل رسیدن به آن هدف را نیز از طریق کسانی که مصون از خطا و انحراف فکری و عملی و اخلاقی هستند، معین کرده است.

توجه به این حق، بررسی، فهمیده و عملی شوند تا انسان را به سر منزل مقصود - که قرب الهی است - نائل سازند.

امام سجاده علیه السلام سپس حقوق نفس انسان بر خویش و در مرحله بعد حقوق دیگر افراد بر انسان را تشریح می فرماید و آن ها را شاخ و برگ و لوازم حق اول می داند.

با توجه به این دیدگاه که اساس دیدگاه قرآن و سنت است، انسان در این عالم تنها یک وظیفه اصلی دارد و آن، ادای حق خدای متعال است و دیگر وظایف او، فروع آن حق است، به همین دلیل این دیدگاه، به مسائل علمی ژرفای فراوان می بخشد.

در مجموع، رساله حقوقی امام سجاده علیه السلام بر تبیین سه حق استوار است: نخست: وظایف و رابطه وجودی انسان با خداوند متعال (عبودیت مطلق)؛ دوم: وظایف و رابطه وجودی انسان با خود و حق اعضا و جوارح (حق انسان بر خویش)؛

سوم: وظایف و احکام رابطه انسان با انسان های دیگر (حقوق دیگران). هم چنین این رساله، شامل دو بخش است: بخش نخست، شمارش و بیان اجمالی حقوق و بخش دوم، بیان تفصیلی آن را در بردارد. ما از بخش دوم آغاز می کنیم.

البته سعی شده است مباحثی که در این کتاب مطرح می گردد، راهکارهای اخلاقی و تربیتی برای عموم مؤمنان باشد، اما چون نظر بر این است که مباحث به صورت زیربنایی بیان شود و طالبان تهذیب نفس ابتدایی ترین مسائل را با توجه به امور اعتقادی ضروری فراگیرند، روش تربیتی که این جا مطرح می شود اولین و ضروری ترین وظایف تربیتی است که با توجه به بندگی حق تعالی در تمام شئون زندگی بیان گردیده است.

یاری از خداوند در ادای حقوق بندگی

امام سجاده علیه السلام در پایان بخش اول رساله، درباره اداکنندگان این حقوق می‌فرماید:

قَطُّوبِي لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى قَضَاءِ مَا أُوجِبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِهِ وَوَفَّقَهُ وَ
سَدَّدَهُ؛

خوشا به حال کسی که خدای متعال او را بر ادای حقوقی که بر او واجب نموده، یاری‌اش کرده و در این کار توفیقش داده و استوارش ساخته است! هم‌چنین برای موفقیت در ادای این حقوق، در پایان بخش دوم حدیث می‌فرماید:

يَجِبُ عَلَيْكَ رِعَايَتُهَا وَ الْعَمَلُ فِي تَأْدِيتِهَا وَ الْإِسْتِعَانَةُ بِاللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَى
ذَلِكَ؛

رعایت این حقوق، تلاش برای ادای آن‌ها و کمک گرفتن از خدایی که ستایشش بزرگ است، بر تو واجب است.

امام سجاده علیه السلام با این عبارت، ما را بر توجه به وجوب این حقوق، تلاش برای آن و یاری جستن از خداوند متعال برای موفقیت در آن، ترغیب نموده‌اند.

اگر معنای حق درست درک شود، به‌خوبی متوجه می‌شویم که برای موفقیت کامل در ادای حق الهی، چاره‌ای جز کمک گرفتن از او نیست. بنابراین پیامبران و اولیای الهی با وجود همه معرفت و مقامی که داشتند، لحظه‌ای از استعانت از درگاه حق تعالی غفلت نمی‌کردند؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که وجود مبارکش اقیانوس بی‌کران معرفت بود، هر لحظه خود را نیازمند یاری خدای متعال می‌دید. قرآن کریم از قول آن حضرت می‌فرماید:

«رَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ»^۱

و پروردگار ما خداوند رحمانی است که در برابر نسبت ناروای شما، از او استمداد می‌شود.

معرفی اجمالی انسان

در این بخش، لازم است پیش از شرح حقوق واجب بر انسان، مطالبی کوتاه دربارهٔ معرفی او و تبیین ماهیت و جایگاهش در این عالم بیان شود. با دقت در وجود انسان - جدا از نظریه‌ها و فرضیه‌های مکتب‌های گوناگون و تفسیرها و بررسی‌های علمی دانشمندان در این زمینه - روشن می‌گردد که وی، علاوه بر دو جنبهٔ جسمانی و غیرجسمانی که دارد و اساس وجود او را جنبهٔ غیرجسمانی‌اش تشکیل می‌دهد و همین بخش از وجود وی عهده‌دار فعالیت‌های اوست، موجودی وابسته و مرتبط با اشیاء و موجودات گوناگون پیرامون خود است که هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و هم می‌تواند بر آن‌ها اثرگذار باشد. این ارتباط وجودی، دو نوع کلی دارد:

نوع اول: با موجوداتی که مستقل نیستند و ارتباط با آن‌ها در حد تأثیر ظاهری و زمینه‌ای است. این نوع ارتباط، موضوع علوم تجربی است که نحوه و میزان تعامل بین موجودات را کشف می‌کند.

نوع دوم: امری است که فهم آن از شئون روح و حقیقت آن است که می‌تواند واقعیت وجود خویش و این عالم را با به‌کارستن صحیح قوای ادراکی، درک کند. هم‌چنین می‌تواند راه و روشی را که مطابق با آن واقعیات است و برای تکامل او ضروری است، به صورت کلی ادراک کرده و سپس

۱. انبیاء، آیه ۱۱۲.

براساس آن عمل نماید تا به نتیجه‌ای مطلوب از وجود خویش برسد. این نوع از روابط وجودی، وظایف و تکالیفی را بر عهده آدمی می‌گذارد که تا وقتی در نظام هستی زندگی می‌کند، این وظایف نیز همراه و بر عهده اوست. بنابراین، انسان مانند دیگر موجودات شیبیه خود، وابسته و مخلوق است با این تفاوت که با داشتن این رتبه از هستی، هدف والایی دارد و بدون راه و روش مطلوب، هرگز به آن هدف والا دست نخواهد یافت.

همچنین با تأمل در وجود انسان معلوم می‌شود تنها، خالق اوست که تمام کمال‌ها را داراست و آگاه‌ترین شخص به راه و روشی است که انسان را به مقصد نهایی از خلقتش می‌رساند. رابطه انسان با آفریننده‌اش (که همواره برقرار است) ایجاب می‌کند که او در مرحله نخست، وظیفه‌اش را در برابر خالق مطلق، به نحو مطلوب انجام دهد که البته آن نیز جز با اظهار خضوع در برابر ساحت مقدس پروردگار تحقق نمی‌یابد.

در مرحله بعد انسان باید به وظایفی که خدای متعال برای او در روابط وجودی‌اش با دیگر موجودات ترسیم نموده، عمل کند.

در این رساله گران قدر، امام سجاده علیه السلام با بیانی بسیار لطیف و شیوا این روابط و حقوق را ابتدا به اجمال و سپس با تفصیل و ترتیبی منظم، بیان می‌فرماید.^۱

۱. این رساله در کتاب *تحف العقول* با تصحیح و تعلیق مرحوم علی اکبر غفاری در انتشارات جامعه مدرسین به چاپ رسیده است و ما آن را در این تحقیق در نظر گرفته‌ایم و تنها «حق‌الحج» را که در *تحف العقول* ذکر نشده بود، ولی در برخی منابع معتبر دیگر ذکر شده بود، از کتاب *خصال* نقل کرده‌ایم. هم چنین نسخه بدل‌هایی که در آن کتاب‌ها وجود داشته در حاشیه ذکر کرده‌ایم. منابع دیگر روایی که در این رساله ذکر کرده‌اند، عبارتند از: *خصال* و *من لایحضره الفقیه* شیخ صدوق، *واهی*، *وسائل الشیعه* و *بحار الأنوار*.

■ مقدمه

شرح این رساله، به انگیزه معرفی گوشه‌ای از آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام برای آشنایی با گستره حقوق صورت گرفت، امید که مقبول حضرت حق افتد.

محمدباقر تحریری - شهر مقدس قم ۱۳۹۶